

نام های قرآن

<?xml encoding="UTF-8">

مفسران و قرآن پژوهان در شماره و تعداد نام های قرآن اختلاف نظر فراوانی دارند.

ابوالفتوح رازی در تفسیرش 43 نام برای قرآن ذکر نموده است .

زرکشی به نقل از قاضی ابوالمعالی معروف به شیدله 55 اسم برشمرده و بعضی دیگر شماراسامی قرآن را به هشتاد رسانیده اند.

بسیاری از عناوینی را که این بزرگان در شمار اسامی قرآن آورده اند، در قرآن به صورت وصف قرآن به کار رفته اند و نه اسم .

عدم تفکیک میان اسامی و اوصاف قرآن کریم از یکسو، و تفاوت برداشت ها و سلیقه ها در گزینش نام ها از سوی دیگری می توانند دلیلی بر اختلاف آرا در این زمینه باشند.

جالب است بدانیم که بعضی عقیده دارند برای قرآن نامی غیر از قرآن وجود ندارد.

مناسب تر آن است که عناوین قرآن را در دو قسمت اسامی و اوصاف بیان نماییم .

الف (اسامی قرآن

از میان عناوین قرآن ، به طور مسلم چهار عنوان به صورت اسم در قرآن به کاررفته است ، که به ترتیب اهمیت و کثرت عبارتند از:

1. قرآن : بل هو قرآن مجید.

2. کتاب : کتاب انزلناه الیک .

3. ذکر: هذا ذکر مبارک .

4. فرقان : تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده.

زرقانی تنزیل را نیز بر اسامی فوق افزوده است .

سه عنوان کتاب ، ذکر و فرقان برای کتب آسمانی دیگر نیز ذکر گردیده و تنهاعنوان قرآن به صورت اسم خاص برای این کتاب آسمانی مطرح است .

ب (اوصاف قرآن

گفتیم اختلاف سلیقه ها و برداشت ها، موجب اختلاف در شماره عناوین و اوصاف قرآن گشته اند.

ما در این قسمت عناوینی را که مستقیماً به صورت وصف برای نام های قرآن ، کتاب و ذکر به کار رفته اند، یادآور می شویم .

1. مجید: ق .

والقرآن المجید ، قاف ، سوگند به قرآن باشکوه .

2. کریم : انه لقرآن کریم ، که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند.

3. حکیم : یس .

والقرآن الحکیم ، یس [یاسین] سوگند به قرآن حکمت آموز.

4. عظیم : ولقد آتیناک سبعا من المثانی والقرآن العظیم ، و به راستی ، به توسیع المثانی [سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم .

5. عزیز: وانه لکتاب عزیز لایاءتیه الباطل .. , و به راستی که آن کتابی ارجمنداست .
باطل به سویش نمی آید.
6. مبارك : هذا ذكر مبارك , این [کتاب] پندی خجسته است .
7. مبين : تلك آيات الكتاب وقرآن مبين , این است آیات کتاب [آسمانی] وقرآن روشنگر.
8. متشابه : الله نزل احسن الحديث كتابا متشابها , خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه نازل کرده است .
9. مثانی : الله نزل احسن الحديث كتابا متشابها مثاني , خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه , متضمن وعده و وعید نازل کرده است .
10. عربی : انا انزلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون , ما آن را قرآن عربی نازل کردیم , باشد که بیندیشند.
11. غیر ذی عوج : قرآنا عربيا غير ذي عوج لعلهم يتقون , قرآنی عربی , بی هیچ کژی , باشد که آنان راه تقوا پویند.
12. ذی الذکر: ص .
والقرآن ذی الذکر , ص .
سوگند به قرآن پراندرز.
13. بشیر: کتاب فصلت آیاته ...
بشیرا , کتابی است که آیات آن , به روشنی بیان شده ...
و بشارتگر است .
14. نذیر: کتاب فصلت آیاته ...
بشیرا ونذیرا , کتابی است که آیات آن , به روشنی بیان شده ...
بشارتگر و هشداردهنده است .
15. قیم : الحمد لله الذي اءنزل على عبده الكتاب ...
قیما.. , ستایش خدایی را که این کتاب را بر بنده خود فرو فرستاد...
[کتابی] راست و درست .
- در پایان به یکی دیگر از اسامی قرآن کریم اشاره می کنیم .
این نام گرچه در خودقرآن ذکر نگردیده اما برخی بر این عقیده اند که مشهورترین و رایج ترین نام در میان مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) مصحف بوده است و در زمان حیات پیامبر(ص) نام رایج و مشخصی که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند وجود نداشته است .
دکتر رامیار در پاسخ به این سؤال که چگونه این نام با وجودی که در خود قرآن نیامده بر این کتاب آسمانی نهاده شده می گوید: وقتی ابوبکر قرآن را جمع کرد, به یاران پیامبر گفت که نامی بر آن بگذارند.
پاره ای خواستند که آن را انجیل بخوانند, ولی دیگران را خوش نیامد.
کسانی پیشنهاد کردند که آن را سفر بنامند, مثل سفرهای پنجگانه یهود, این پیشنهاد هم رد شد.
سرانجام عبدالله بن مسعود, صحابی جلیل القدر گفت :در مهاجرتی که به حبشه کردیم کتابی دیدم که آن را مصحف می خواندند...
این نام آن هنگام پذیرفته شد و بر قرآن کریم اطلاق گردید...
نسخه های قرآن را هم که عثمان به اطراف فرستاد مصحف خوانده اند...

که بعدها همین ها مصاحف عثمانی نام گرفت .

مجموعه خصوصی هریک از صحابه را هم مصحف می گفتند، مثل مصحف ابی بن کعب یا مصحف معاذ. پس از رحلت پیامبر، در این که نام مصحف به سرعت از نام های رایج قرآن کریم گردید، سخنی نیست . اما این سخن که هیچ نام مشخصی در زمان حیات پیامبر (ص) برای کتاب آسمانی وجود نداشته ، پذیرفتنی نیست .

قرآن و کتاب ، نام هایی هستند که به صورت گسترده در روایات از زبان پیامبر اکرم (ص) و علی بن ابی طالب (ع) و نیز صحابه آن حضرت به کار رفته اند.

حدیث نبوی معروف که فرمود: اذا التبتست علیکم الفتن قطع الليل المظلم فعلیکم بالقرآن و یا فرمایش آن حضرت که : فضل القرآن علی سائر الکلام کفضل الله علی خلقه و یا وصیت آن حضرت که فرمود: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی .. و ده ها بلکه صدها روایت دیگر عصر نزول که در آنها از کتاب آسمانی مسلمانان به قرآن و یا کتاب یاد گردیده است ، به خوبی شهرت این نام را در همان زمان اثبات می نماید. در بسیاری از روایات جمع آوری قرآن و تدوین مصحف نیز کسانی همچون زید بن ثابت نام قرآن را هنگام تدوین مصحف به کار برده اند.

اساسا چگونه ممکن است در طول 23 سال مسلمانان هیچ نام مشخصی برای کتابشان نداشته باشند؟! دلیل دیگری برای شهرت نام قرآن وجود دارد که عبارت از استعمال این عنوان در قرآن به صورت علم و اسم خاص است که به تفصیل در فصل پنجم از آن سخن خواهیم گفت .

علت شیوع نام مصحف پس از رحلت پیامبر (ص)، مسأله کتابت و تدوین قرآن بود.

صحیفه به چیزی که گسترده باشد اطلاق می گردد و از این رو صفحه ای را هم که بر آن می نویسند، صحیفه گویند، و مصحف مجموعه ای از صحیفه های نوشته شده است که بین دو جلد قرار گرفته باشد. بنابراین چون پس از رحلت یکی از مهم ترین وظایف مسلمانان جمع آوری صحف نوشته شده قرآنی و یا کتابت قرآن به دست بعضی از نویسندگان صحابه بود، این نام در چنین زمانی و فضایی شایع گردید. در همان زمان نیز مصحف اسم برای هر کتاب مجلد بوده است ، خواه قرآن باشد یا غیر آن . محمد بن سیرین می گوید: لما توفي النبی (ص) اقسام علی ان لایرتدی برداء الا لجمعة حتی یجمع القرآن فی مصحف .

ابوالعالیه می گوید: انهم جمعوا القرآن فی مصحف فی خلافة ابی بکر.

کلینی در کافی به نقل از امام صادق : من قراء القرآن فی المصحف متع ببصره ...

در روایت معروف زید بن ثابت آمده است : فتتبع القرآن اجمعه ...

فكانت الصحف عند ابی بکر...

همین اوراق و صفحات پس از مرگ عمر در دست دخترش حفصه بود تا آن که هنگام جمع آوری قرآن در زمان عثمان وی طی پیامی به حفصه به او اطمینان داد که ان ارسلي الينا بالصحف ننسخها فی المصاحف ثم نردها اليك در تمام روایات فوق و ده ها روایت دیگر آنچه مطرح است ، جمع قرآن در مصحف یعنی يك کتاب مجلد است ، یعنی مصحف در همان معنای لغوی خود به کار رفته است .

گزیده مطالب

1. اسامی قرآن عبارتند از: قرآن ، کتاب ، ذکر و فرقان .

2. نام مصحف پس از رحلت پیامبر به خاطر جمع آوری قرآن در يك مجلد رایج گشت .

3. برای قرآن برخی نزدیک به هشتاد وصف ذکر نموده اند.

بعضی از مشهورترین اوصاف قرآن عبارتند از: مجید, کریم, حکیم, عظیم, عزیز, مبارک, مبین, عربی, بشیرونذیر. معانی قرآن

در معنای قرآن وجوه پنجگانه ای گفته شده است که می توان آنها را به سه دسته تقسیم نمود: (شافعی):

1. قرآن, اسمی جامد و غیرمشتق است .

علم ارتجالی است و بدون آن که پیشینه استعمال در زبان عرب داشته باشد, خداوند به عنوان اسم خاص برای وحیی که برپیغمبرش نازل فرموده قرار داده است مثل تورات و انجیل که اسم برای کتب حضرت موسی و عیسی (ع) می باشند.

(اشعری و جمعی دیگر):

2. قرآن, اسمی است مشتق ولی غیرمهموز:

الف (مشتق از قرن الشی بالشیء, یعنی چیزی را به چیزی ضمیمه کردن . علت این نامگذاری , مقرون بودن سوره ها و آیات و حروف به یکدیگر است .
(فراء) :

ب (قرآن , مشتق از قرائن جمع قرینه است . چرا که آیاتش همانند یکدیگرند و بعضی بعض دیگر را تاءید می کنند. هر آیه از قرآن , قرینه آیات دیگر است .

(ابن اثیر, زجاج و بعضی دیگر):

3. قرآن مشتق و مهموز است :

الف (از قرء به معنای جمع گرفته شده است .

عرب وقتی بخواهد بگوید آب را درحوض جمع کردم , می گوید قراءت الماء فی الحوض .

علت این نامگذاری , آن است که این کتاب همه ثمرات کتب آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است .
(لحیانی و جمعی دیگر)

ب (بر وزن رجحان و غفران مشتق از ماده قراء به معنای تلاوت است .

در این جا از باب تسمیه مفعول به مصدر, مقروء, یعنی خوانده شده و یا خواندنی , به نام قرآن یعنی خواندن به کار رفته است مثل آن که کتاب که به معنای نوشتن است به مکتوب (نوشته شده) اطلاق می گردد.

از میان اقوال پنجگانه فوق , قول پنجم از همه قوی تر به نظر می رسد.

زرقانی پس از رد سایر اقوال , همین قول را اختیار نموده است .

راغب اصفهانی نیز می گوید:

القراءة ضم الحروف و الكلمات بعضها الى بعض فى الترتيل ...

, قراءت به معنای پیوند و ضمیمه نمودن حروف و کلمات به یکدیگر در هنگام ترتیل است .

به سخن دیگر قراءت همان تلاوت آیات الهی است .

علامه طباطبائی

و قوله ان علينا جمعه وقرآنه ...

القرآن هاهنا مصدر كالفرقان و الرجحان و الضميران للوحى و المعنى : لاتعجل به , اذ علينا ان نجمع ما نوحيه اليك بضم بعض اجزائه الى بعض و قراءته عليك .

از آیه فوق به خوبی برمی آید که اگر حتی آن گونه که ابن اثیر گفته است اصل در واژه قرآن معنای جمع باشد, به خاطر تقارن این واژه با واژه جمع در آیه شریفه ناگزیر قرآن به معنای قراءت و خواندن خواهد بود وگرنه تکرار آن امری لغو و بیهوده بوده با فصاحت قرآنی منافات دارد.

دلیل دیگر که نظریه پنجم را تقویت می کند امر اقراء در نخستین وحی بر پیامبر اکرم (ص) است که بی تردید به معنای بخوان است .

لفظ قرآن نیز نخستین بار در آیه چهارم از سوره مزمل نازل شده که مطابق حدیث معروف جابر بن زید و ابن عباس , سومین سوره در ترتیب نزول سوره هاست .

در این آیه دستور چنین است : ورتل القرآن ترتیلا, و قرآن را شمرده شمرده بخوان .

در آخرین آیه از همین سوره نیز بار دیگر در يك فرمان همگانی اعلام می شود: فاقروا ماتیسر من القرآن , هرچه از قرآن میسر می شود بخوانید.

بدیهی است که منظور در هر دو آیه قرآن خواندن است .

نتیجه آن که روشن ترین و مناسب ترین معنا برای قرآن اشتقاق آن از ماده قراء به معنای تلاوت کردن است .

گزیده مطالب

اقوال در معانی قرآن عبارتند از:

1. قرآن , اسم خاص کتاب مسلمانان و لفظی جامد است .
- (شافعی) 2. قرآن , همریشه با قرینه و معنای آن همانند بودن آیاتش با یکدیگر است .
- (فراء) 3. قرآن , مشتق از قرن است , زیرا آیات و سوره های آن مقرون به یکدیگرند.
4. قرآن , کلمه ای است مهموز و از قرء به معنای جمع مشتق شده است .
- زیرا جامع ثمرات کتب آسمانی گذشته است .
- (ابن اثیر, زجاج)

5. قرآن , کلمه ای است مهموز و از قراء به معنای تلاوت و قراءت گرفته شده است .
- دلایلی وجود دارد که قول پنجم را تاءیید می کند.

فصل چهارم :وجه نامگذاری قرآن

هریک از اسمای کتاب خداوند, دارای وجه تسمیه و علت و حکمتی است .

در این فصل تنها در خصوص نام قرآن به بحث می پردازیم .

گذشت که برخی قرآن را مشتق از قرن به معنای ضمیمه کردن دانسته اند.

آنان در توجیه نامگذاری چنین اسمی بر وحی آسمانی گفته اند: چون حروف و آیات و سوره ها, مقرون به

یکدیگرند, خداوند نام قرآن را بر این مجموعه نهاده است .

عده ای دیگر که قرآن را همریشه با قرائن (قول سوم) دانسته اند, بر این باورند که چون در این کتاب

هماهنگی کامل میان همه آیات وجود دارد و همه باهم قرینه اند و تشابه تام و تمامی با یکدیگر دارند,

خداوند چنین نامی برای کتاب خود برگزیده و درآیه ای نیز همین تشابه و هماهنگی را وصف کتاب خویش بیان

کرده است : الله نزل احسن الحديث کتابا متشابها , که مراد از کتاب متشابه , کتابی است که هماهنگ

ویکنواخت است .

در معنای چهارم برای قرآن نیز گفته شد که چون این کتاب , جامع علوم و ثمرات کتب آسمانی پیشین و یا جامع انواع علوم و یا دربرگیرنده امر و نهی و وعد و وعیدو...

است به آن قرآن گفته شده است .

با توجه به عدم پذیرش این اقوال در فصل سابق اینک ببینیم براساس نظریه پنجم چه توجیهی برای نامگذاری قرآن به این نام وجود دارد؟ می دانیم که حقیقت قرآن فراتر از آن است که در قالب الفاظ بگنجد.

محتوای قرآن بسی عالی تر و والاتر از آن است که واژه ها و الفاظ را یارای بیان آن باشد, چه آن که کلمات و عبارات برای امور مادی وضع گردیده اند و واقعیت قرآن در برگیرنده عمیق ترین معارف معنوی است .

این محتوای بلند برای این که در خور فهم بشردرآید, از مقام برتر خود تنزل یافته و به مقام قراءت رسیده و خواندنی گشته است , تا امکان تعقل آن برای بشر فراهم آید.

معانی هرگز اندر حرف ناید — که بحر بیکران در ظرف ناید مفسر و اندیشمند بزرگ قرآنی , علامه طباطبائی به

این نکته بسیار لطیف اشاره کرده در معنای آیه شریفه انا جعلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون وانه في ام

الکتاب لدینا لعلی حکیم , می گوید: مراد از ام الکتاب , همان لوح محفوظ است , و نامگذاری لوح محفوظ به ام

الکتاب بدین جهت است که آن سرمنشاء همه کتب آسمانی است .

ومقصود از علی شرافت قدر و منزلت قرآن است که عقول را توان رسیدن به آن نیست .

و منظور از حکیم بودن قرآن آن است که قرآن در جایگاه اولی و اصلی خویش , تفصیلی و تقسیمی به سوره ها

و آیات و کلمات نداشته و این تفصیل پس از آن صورت گرفته که به صورت قرآن عربی درآمده است .